



میثم نمکی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت برگزاری «کرسی علمی ترویجی حقیقت وضعیت فرش های مقصود کاشانی» در دانشگاه کاشان، یادداشتی منتشر کرد. متن یادداشت، چنین است:
داستان فرش و وجهت درخشان ایران در این عرصه، پر دامنه و غرور انگیز است؛ در هنر فرش در موزه‌های معتبر دنیا گواه مختلفی نقش دارند که از آن جمله «هنرمندان طراح و بافنده‌ای» هستند که شکوه این هنر را به نمایش گذاشته‌اند. از سویی نگهداری نمونه‌هایی از شاهکارهای هنر فرش در موزه‌های معتبر دنیا گواه ارزش جهانی این آثار و بیانگر بینش عمیق نقش آفرینان آن در سپهر هنری دنیاست. در جغرافیای فرهنگی ایران چند شهر سرآمد این هنر دلکش هستند؛ تبریز، اصفهان، قم، کرمان، مشهد و کاشان به واسطه طرز و ویژگی‌های فنی و هنری، در نگاه جهانیان مقبولیت و محبوبیت بیشتری یافته‌اند به حدی که می‌توان فرش‌های این شهرها را نماینده و شناسنامه صنایع دستی دانست. این روزها اگر چه دانش، فناوری و تکنولوژی صنعت، بازار و اقتصاد فرش را وارد عرصه تازهای کرده است؛ اما همچنان اصالت و هویت بافتینه‌ها و فرش‌های دستیاف در طراحی‌ها و نقشه‌های اسلیمی و سنتی و گرهما و رنگ‌هایی است که در فرهنگ‌نامه فرش، هر کدام اعتبار و جایگاه دارد. بیمانی از حذف تدریجی قالی‌های دستیاف از گردونه اقتصاد بازار و تعطیلی پایایی واحدهای طراحی و نقشه‌کشی، رنگ‌رز خانه‌ها،چله دوانی‌ها و ... رنگ خطری بر مرگ این میراث ملموس است؛ به ویژه آن که هنوز بخش‌هایی مهم از زوایای پیچیده و هنرمندانه فرش ایرانی ناشناخته باقی مانده است. برپایی نخستین «کرسی علمی و ترویجی فرش با رویکرد بررسی وضعیت فرش‌های مقصود کاشانی»، شهرت دایته به فرش‌های شیخ صفی‌الدین یا ارباب و ارائه مقاله تحقیقی دکتر امیرحسین چیت سازیان استاد دانشگاه کاشان با هدف اثبات تولید این فرش ها در کاشان و عدم مالکیت بقعه شیخ صفی بر آن ها در زمان تصاحب توسط انگلیسی‌ها، نیز ادعان محققان و استناد رشته فرش بر اهمیت و اعتبار فرش کاشان در جهان، چند موضوع مهم را برای مسئولان امر یادآور می‌شود که تاامل و توجه به آن می‌تواند دستاوردهای بزرگی را به همراه داشته باشد:
۱- وجود ه‌ها تیمچه و کارگاه‌های تولید و عرضه فرش در بازار تاریخی کاشان و نمونه‌های شاهکارهایی از فرش با طرح و نقشه کاشان، ضرورت حفظ این میراث گرانتقد ر را در حافظه تاریخی کاشان دو چندان می کند که «راه اندازی موزه فرش کاشان» راهبردی مؤثر خواهد بود.
۲- استمرار و تعمیم دانش هنر و مهارتی هنر فرش و جزف وابسته از طریق توسعه رشته های تحصیلی مرتبط در دانشگاه جامع کاشان به ویژه حرکت به سمت استقرار «دانشکده فرش کاشان» به عنوان یکی از اولویتهای مدیریت شهری می‌تواند تحول آفرین باشد.
۳- طراحی و راه اندازی «جشنواره ها» و «جایزه‌های هنری با موضوع فرش» و فرصت‌سازی برای ثبت ایده‌های خلاقانه و شناسایی و تحلیل از استادان و پژوهشگران حوزه فرش کاشان و تبدیل به یک برند ملی و بین المللی ضرورت دیگری در عرصه‌های ترویجی و فرهنگی است.
۴- راه اندازی «کرسی های نظریه پردازی فرش- راه اندازی «کرسی های نظریه پردازی فرش» در تراز جهانی و گردآوری نظریات صاحب نظران در باب چستی و چرایی فرش کاشان، ضرب احیا و توجه به این هنر در آستانه فرواموشی را دو چندان می‌کند.
۵- تشویق سرمایه گذاران و صاحبان صنایع به احیای «کارگاه های سنتی فرش» ،اسباب رونق اقتصادی جامعه هدف را در پی خواهد داشت.
۶- اتاق بازرگانی واتحادیه های تخصصی در «راه اندازی کردیور حامیان جهانی فرش دستیاف کاشان» ، راهبردهای مشخصی را می تواند طراحی کند تا به ثبات نگاه جهانی به نام فرش کاشان بیانجامد.
۷- حمایت ویژه از فصلنامه تخصصی فرش (ارگان دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان) و عمومی کردن مطالب و بازتاب گزارش‌ها، اخبار و رویدادهای بی‌رمون فرش، ظرفیتی است که می‌تواند هم قابلیت‌ها و ظرفیت های این محصول استراتژیک را معرفی کند و هم با بیان چالش‌ها و آسیب ها نگاه آینده پژوهانه‌ای به این مسأله محوری داشته باشد. نتیجه آن که «کرسی علمی و ترویجی فرش مقصود کاشانی»، پیش درآمدی برای احیای مکتب فرش کاشان در قلمرو جهانی است که استمرار این حرکت مبارک خواهد بود.

محمد فنایی اشکوری می‌گوید: شکی نیست که امام خمینی(ره) اهل فلسفه بودند اما اندیشه غالب ایشان عرفانی و متأثر از ابن عربی بود البته نه به صورتی که ۱۰۰ درصد پیرو این عربی باشند. انقلاب اسلامی ایران اگرچه به واقع حماسه‌ای ماندگار در عالم سیاست سده بیستم میلادی به شمار می‌آید اما آنچه آن را از سایر انقلاب‌ها و خیزش‌های سیاسی مشابه در سایر کشورها جدا می‌کند، بن‌مایه‌های اندیشگی و انگیزه‌های فرامادی نیروهای دخیل در آن رستاخیز مردمی است که این وجوه تمایزبخش، بیش و پیش از هرکس در شخص شخیص امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر بلامنازع انقلاب، نمود دارد. آن حکیم الهی با درآمیختن و امتزاج سه ساحت فقهی، فلسفی و سیاسی با یکدیگر توانست «فلک را سقف بشکافد و طرحی نو دراندازد» همین هم هست که به رغم تحلیل‌ها و توصیف‌های متنوع و پرشماری که اندیشمندان داخل و خارج از کشور از انقلاب اسلامی به دست داده‌اند و می‌دهند، باز هم ماهیت راستین انقلاب و به طریق اولی امام خمینی (ره) ناشناخته و دور از دسترس می‌ماند.

به همین منظور سراغ دکترمحمد فنایی اشکوری رفتیم و تلاش کردیم که از دریچه فهم یک فیلسوف و دین‌پژوه، نسبت انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) را با فلسفه تبیین کنیم.

آن چه در ادامه می‌آید مشروح گفت‌وگوی ما با این استاد تمام فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است:
پژوهشی که تفاوت نوع نگاه امام خمینی(ره) به انسان و جهان یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه ایشان است؛ به گمان شما اساسا معرفت‌شناسی امام تا چه اندازه متأثر از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی بوده است؟

قبل از هرچیز باید بدانیم که امام خمینی (ره) یک اسلام‌شناس است و مبانی اندیشه او همان مبانی اندیشه اسلامی و شیعی است. یكدیگر هستند. عرفان هم جنبه باطنی این نظام‌ها است. در هر سه نظام، محور اصلی توحید است.

محور در نظام اعتقادی معرفت توحیدی است، محور در نظام اخلاقی محبت توحیدی است و محور در نظام فقهی اطاعت و عبودیت توحیدی است. منبج این معارف، قرآن و سنت است که از نگاه شیعی شامل سنت پیامبر و معصومین از اهل بیت اوست. راه نپل به این معرفت عقل، نقل و شهود است. امام خمینی(ره) به عنوان یک فیلسوف، عارف و فقیه از همه این روش‌ها برای فهم معارف دین بهره می‌برد.

«حکمت صدرایی چه جایگاهی در اندیشه امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی دارد؟

فلسفه اسلامی نوعی هستی‌شناسی عقلی است که فیلسوف می‌گوید در آن خدا، جهان و انسان را به شیوه عقلی فهم و تبیین کند. فلسفه اسلامی دوره‌های مختلفی را گذرانده است که آخرین دوره آن حکمت صدرایی است. حکمت صدرایی به‌جست استفاده از دست‌آوردهای حکما و عرفای پیشین و به‌کارگیری روش‌های گوناگون معرفت، آخرین مرحله‌ای است که فلسفه اسلامی تاکنون به آن رسیده است.

امام خمینی(ره) عمیقاً در حکمت صدرایی رسوخ دارد و از مدرسان برجسته و صاحب‌نظری آن به‌شمار می‌رود. حکمت صدرایی عمدتا ناظر به رویکرد دوگانه و عرفانی به هستی‌شناسی در معنای وسیع آن است. انقلاب اسلامی حاصل مجموعه نظام فکری امام خمینی است که یکی از مؤلفه‌های آن، حکمت صدرایی است.

البته باید افزود که توجه امام به بعد عرفانی اسلام با خوانش شیعی بیش از بعد فلسفی است. بی‌شک حکمت صدرایی در مجموعه اندیشه امام خمینی(ره) جایگاه قابل توجهی دارد، اما در نقش آن در انقلاب اسلامی نباید مبالغه کرد. انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام‌شناسی امام خمینی(ره) است که شامل نظام اعتقادی، اخلاقی و فقهی اوست. ازاین‌رو هم حکمت، هم عرفان، هم اخلاق و هم فقه اسلامی که ریشه در قرآن و سنت

## مجری «اعجوبه‌ها» دچار سانحه رانندگی و عزادار شد

محمدرضا باقری از وقوع سانحه رانندگی برای حامد سلطانی، مجری برنامه اعجوبه‌ها خبر داد.

حامد سلطانی، مجری برنامه تلویزیونی «اعجوبه‌ها» شبکه سه سیما سحرگاه امروز دچار سانحه رانندگی شد. این حادثه بر اثر واژگونی یک دستگاه سواری ام وی ام در کیلومتر ۶۵ محور خور به طیس رخ داده است.

محمدرضا باقری مجری برنامه «سلام صبح بخیر» شبکه ۳ سیما ضمن تأیید این خبر به خبرنگار تسنیم گفت: متأسفانه صبح امروز این حادثه رخ داده و در آن همسر و پسر یک سال و نیم آقای سلطانی جان خود را از دست دادند. همچنین دختر ۸ ساله‌اش دچار شکستگی شده و خود او جراحات پیدا کرده است که هم‌اکنون در بیمارستان بستری‌اند.

## فنایي اشکوری: اندیشه غالب امام خمینی(ره)، عرفانی و متأثر از ابن عربی بود



نشست و بعد از گذشت بیش از چهار دهه، همچنان این اندیشه برای همه مسلمانان الگویی زنده و قابل بهره‌برداری است. به نظر شما اساساً اندیشه سیاسی امام (ره) بر پایه چه اصولی استوار است که این‌چنین در میان اقشار و جوامع مختلف اثری عمیق گذاشت؟ قبل از پاسخ به این سؤال، لازم می‌دانم مقدمه‌ای را عنوان کنم. اساس حکمت بحثی و عقلی مبانی اعتقادی بدین بدون کمک گرفتن از تفکر عقلی و فلسفی میسر نیست. این امر هم مقتضای عقل است و هم قرآن و سنت ما را به آن دعوت می‌کنند. بنابراین از نظر امام خمینی(ره) که عالمی راسخ در معارف قرآنی و روایی است، حکمت عقلی جایگاه رفیعی دارد.

امام خمینی(ره) خود یک حکیم است و آثار مختلف او نیز بر این مدعا دلالت دارد. بخش‌هایی از درس‌های شرح منظومه و اسفار امام خمینی(ره) منتشر شده است. رساله مختصر «طلب‌الوارده» امام خمینی(ره) به‌تنهایی کافی است که رسوخ امام در حکمت متعالیه را نشان دهد اما از آنجا‌که امام یک عارف نیز هست، فلسفه را تنها راه معرفت و برترین نوع معرفت نمی‌داند و به فلسفه بسنده نمی‌کند. «گرچه ما عقلاً و شرعاً باید نهایت استفاده را از عقل و فلسفه به‌عنوان محصول عقل داشته باشیم اما نباید در آن متوقف شویم.

فراتر از فلسفه، شهود مستقیم حقایق از راه تهذیب و طهارت و عبودیت است که به آن عرفان می‌گویند. از نظر امام خمینی(ره)، جایگاه عرفان بسی برتر از جایگاه فلسفه است و او خود به‌رمند از هردو است. باید افزود عرفانی که امام خمینی(ره) از آن سخن می‌گوید و در جست‌وجوی آن است، عرفانی است که با چراغ دین و ولایت هدایت می‌شود. بنابراین یافته‌های معرفتی عرفانی نیز سرانجام باید به عقل و وحی عرضه و با آن میزان‌ها سنجیده شوند. «به اعتقاد شما در پی‌ریزی انقلاب اسلامی و رهبری آن، امام خمینی(ره) تا چه اندازه از ملاصدرا متأثر است؟

من فکر نمی‌کنم که اندیشه‌های امام صرفاً متأثر از ملاصدرا باشد. البته امام در بحث تائیزیک و نسبت متأثر از ملاصدراست و در این شکی نیست اما در بحث انقلاب، اندیشه‌های ایشان کمتر به صدرا ارتباط دارد. گرایش‌تفرقاتمایل‌فلسفه‌پوهند. اندیشه‌ها غالباًبیش‌تر فانی‌تأثیر از ابن‌عربیود؛ البتهتأثیرکفهدرصدپیروانعباربی‌باشند.

امام مستقل می‌اندیشید، ولی در نگاه کلی نظام عرفانی ابن عربی را می‌پذیرفت. امام فقیه بزرگی بودند و نظریه ولایت فقیه را ایشان در حوزه فقه مطرح کردند. امام راحل از اندیشمندان بزرگ مسلمان است و دارای اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، فقهی، سیاسی و اجتماعی است که مجموعه این‌ها در شکل دادن به تفکر امام اثر دارند و فلسفه اسلامی یکی از جنبه‌های آن است.

بسیاری از افراد بودند که نقطه تمرکزشان به یک بُعد عرفانی، فلسفی یا فقهی و مانند آن بوده و یک‌جانبه به مسائل نگاه می‌کردند و این یک دیدگاه ناقص است. درحالی‌که در اندیشه امام، این جامعیت نسبت به حوزه‌های عقلانی، معنوی، نقلی، فقهی و سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود. بنابراین نباید بر یکی از جنبه‌ها تمرکز نموده و از جنبه‌های دیگر غفلت کنیم؛ چراکه در این صورت تصویر درستی از دیدگاه امام ارائه نخواهیم کرد. «آقای دکتر! انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به‌وقوع پیوست که تفکر جدایی دین از سیاست بر ذهنیت سردمداران دنیا سيطرة داشت. با این حال، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) به ثمر

## شرط «جیم کری» برای بازی در دنباله «ماسک»

کلاسیک «ماسک» است یا خیر، پاسخ داده که بعید است مگر اینکه فیلمساز معتبری مانند «کریستوفر نولان» ایده‌ای فوق‌العاده برای آن داشته باشد.
دکترشی طدی چند دهه گذشته در «کری» با بازی کمدی بزرگ مانند «پس کابلی»، «دروغگو دروغگو»، «مایش ترومن» و «ماسک» در کنار دو دنباله سینمایی «ایس ونچورا: هنگامی که طبیعت فرا می‌خواند» و «احق و احق‌تر ۹۲ بازی کرده است و هیچ یک از این دو دنباله به موفقیتی مشابه قسمت اصلی نرسیدند، به همین دلیل است که او در مورد بازی در دنباله‌ها تردید دارد. او در مصاحبه‌ای جدید و در پاسخ به این پرسش که آیا هرگز به فکر بازگشت برای ادامه فیلم کمدی

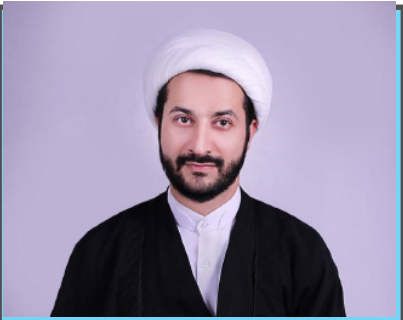
روزنامه صبح ایران /

۱۶ خرداد ماه ۱۴۰۱ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

### ۵

### فرهنگ و هنر



دبیر پژوهش روزنامه سراج

حجت الاسلام استاد مجتبی خندان

موضوع : آسیب شناسی و انحرافات اجتماعی از دیدگاه علامه محمد تقی مصباح یزدی

بخش پنجم

برخی از تهاجم‌های فرهنگی، شگردهایی است که مغرضین در خصوص انقلاب اسلامی به کار می‌برند؛ به عنوان نمونه، برخی در تلاشند تا نقش امام خمینی(رحمه‌الله) را در نهضت کمرنگ نشان دهند. از این‌رو، ریشه این انقلاب را در نهضت ملی شدن صنعت نفت و حرکت «جنبه ملی» به رهبری دکتر محمد مصدق خلاصه نموده، این نهضت را نهضتی ملی، و نه اسلامی، قلمداد می‌کنند. چنین برداشتی از این انقلاب، در راستای تحریف آرمان‌های نهضت امام خمینی(رحمه الله) صورت می‌گیرد. نادیده گرفتن انگیزه‌های دینی در نهضت، مقدمه‌ای برای طرح شعار «ایران برای ایرانیان» و نادیده گرفتن مرزبندی میان مسلمان و غیر مسلمان است و همین امر زمینه را برای میدان یافتن فرقه‌ها و مسلک‌های ضاله و احزاب و گروه‌های دین‌ستیز فراهم خواهد ساخت.

ترویج تفکر جدایی دین از سیاست، انکار ولایت فقیه و تشکیک در اعتبار الهی و تلاش برای تضعیف جایگاه قانونی آن، سه عنصر فرهنگی به شمار می‌روند که در عصر انقلاب اسلامی درصددند به آن‌ها لباس عمل پوشانند، به این ترتیب فرهنگ پویای شیعه را مورد تاخت و تاز قرار دهند و از این طریق به نظام جمهوری اسلامی آسیب جدی وارد سازند.

۳. غرور و خوت در میان انقلابیون
برخی ممکن است بگویند که به دست آوردن پیروزی دچار غرور گشته، کار را تمام شده می‌دانند. از جهت روانی، این امر زمینه را برای ایجاد رکود و رخوت در میان انقلابیون فراهم می‌سازد و نیروهای انقلابی را به افرادی رفاطلب و دنیاگرایی تبدیل می‌کند که دیگر نسبت به توطئه‌های فراروی نظام توجهی نخواهند داشت.

در این صورت، انقلابیون از هر تلاش و کوششی برای پیشرفت دست برمی‌دارند. البته تا حدی باید به آنان نیز این حق را داد که پس از تحمل آن شداید و اهمیت‌های فراوان‌برای مدتی، در رفاه و آسایش به سر برند. ولی در عین حال این رفاه و آسایش را نباید به عنوان پایان کار تلقی کرد و از فعالیت و کوشش دست کشید.

باید، به طور دایم، توجه داشت که ممکن است هر لحظه توطئه‌ای این انقلاب را تهدید کند. بنابراین نمی‌توان دست از فعالیت برداشت. علاوه بر این، از نظر روانی نیز باید با حالت رخوت و رکود، مبارزه‌ای مستمر داشت و هیچ‌گاه انسان نباید خود را راضی احساس کند و تصور نماید که کار تمام شده است. دشمنان انقلاب نیز در خواب فرو برند تا به اهداف خود دست یابند.

با توجه داشتن به این مطلب می‌توان با حالت رخوت و رکود به مبارزه برخاست. باید همه ما به خود تلقین کنیم و به دیگران بفهمانیم که انسان، در این جهان، هیچ‌گاه برای راحتی و آسودگی خلق نشده است و هیچ مرحله‌ای از مبارزات را نباید تمام شده تلقی کرد، چرا که ممکن است با از بین رفتن یک دشمن، دشمنان دیگری به وجود آمده باشند و یا در آینده به وجود آیند. در جامعه خود نیز شاهد بودیم که هنوز یک مبارزه[۱] همگانی پایان نیافته بود که شرایط دیگری، با شکل دیگر، در جامعه بدید آمدند و مشکلاتی را برای مبارزه و وجود آوردند. بنابراین، مجاهده مستلزم مسلمانن باید همواره در حال تحریک و پیشرفت باشد و هیچ‌گاه نباید خود را تمام شده تلقی کرد. مبارزه[۲] هر یک از اقلات جامعه، در شرایط فعلی متفاوت است و موفقیت خاص هر فرد، تکلیف خاصی را بر گردن او می‌نهد.

۴. ضعف نهاده‌ها و ارگان‌های نظام

در کنار آسیب‌های فراروی نظام اسلامی، باید به آسیب‌های داخلی ناشی از ضعف نهاده‌ها و ارگان‌های مختلفی باشد که بخشی از نظام اسلامی را در بر گرفته‌اند. این آسیب‌ها ممکن است ناشی از ضعف نهاد اقتصادی کشور، نهاد تعلیم و تربیت، نهاد ازدواج، نهاد امنیتی، نهاد فرهنگی و نهادهای مهم دیگر کشور باشد. خطراتی که از ناحیه مسؤولین نهاده‌هاست نظام متوجه آنها نمی‌شود به دو دسته تقسیم می‌شود: الف – گاهی این‌گونه ضغف‌ها ناشی از جهل، غفلت، ناگاہی، کم‌تجربگی مدیران و اموری از این قبیل است که در این صورت باید پس از گذشت چند دهه از انقلاب، این‌گونه ضغف‌ها به حداقل ممکن رسیده باشد. ب – ولی گاهی کمبودها، آسیب‌ها و خطراتی که جامعه را تهدید می‌کند، ناگاهانه و از روی قصور و نارسایی نیست؛ بلکه تعمدی در کار است تا در نهادهای اجتماعی اختلالی ایجاد شود. در این صورت است که فساد در درون جامعه خواهد جوشید و به قسمت‌های دیگر سرایت پیدا خواهد کرد.

